

صلح مال به استثنای منافع آن در مدت معین

لطیف عبادپور^۱

انتقال مال به شرط عمری و یا تعلق منافع آن در مدت معین به مصالح، مشمول مالیات درآمد اتفاقی بوده و بر حسب مورد، مالیات آن ممکن است براساس تبصره ماده ۱۲۰ یا ماده ۱۲۲ قانون مالیات‌های مستقیم و به نرخ مقرر در ماده ۱۳۱ قانون مزبور وصول شود. طبق تبصره ماده ۱۲۰ قانون یاد شده: «در مورد صلح معوض و هبه‌ی معوض به استثنای مواردی که مشمول ماده (۶۳) این قانون می‌باشد درآمد مشمول مالیات موضوع این فصل عبارت خواهد بود از مابه‌التفاوت ارزش عوضین که براساس مقررات این ماده تعیین می‌شود نسبت به طرف معامله‌ای که از آن منتفع شده است.» و به موجب ماده ۱۲۲ همان قانون: «در مورد صلح مالی که منافع آن مادام‌العمر یا برای مدت معین به مصالح یا شخص ثالث اختصاص داده می‌شود بهای مال به مأخذ جمع ارزش عین و منفعت در تاریخ تعلق منافع، مأخذ مالیات متصلح در تاریخ مزبور خواهد بود».

حال برای این که طرفین، مشمول مالیات گزاف نشوند آیا مصالح می‌تواند عین مال را به استثنای منافع مادام‌العمر مصالح یا منافع مدت معین آن مال به عقد صلح به دیگری منتقل کند. یعنی مالکیت عین به متصلح منتقل شود لیکن مالکیت منفعت مادام‌الحیات مصالح یا در مدتی که تعیین گشته است در مالکیت مصالح باقی بماند تا از آن بهره مند شود.

حق مالکیت يك رابطه‌ی اعتباری است بین شخص و مال که او را متمکن از انحاء تصرفات و انتفاعات می‌کند. مالکیت ممکن است اصلی یا تبعی باشد. گاهی رابطه‌ی

۱. سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ پارس‌آباد.

اعتباری مستقیم و بی‌واسطه بین شخص و مال برقرار است؛ چنان که مالکیت بر زمین، اتومبیل، حیوان و ... از این سنخ است و مالکیت اصلی بر آن اطلاق می‌شود و زمانی بستگی اعتباری بین شخص با مالی با واسطه است و به تبع مالکیت بر يك مال، بر مالی دیگر مالکیت حاصل می‌شود و مالکیت تبعی نامیده می‌شود و گفته می‌شود؛ التابع تابع مالکیت بر منافع، چنین مالکیتی است.

ماده ۳۲ ق.م. به‌طور واضح و گویا بر وجود مالکیت تبعی در عالم اعتبار حقوق، صحه می‌گذارد: «تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه‌ی عملی حاصل شده باشد، بالتبع، مال مالک اموال مزبوره است» ماده ۳۳ آن قانون نیز به تعبیری دیگر دربرگیرنده‌ی همین مفهوم از مالکیت است: «نماء و محصولی که از زمین حاصل می‌شود مال مالک زمین است، چه به‌خودی‌خود روییده باشد یا به‌واسطه‌ی عملیات مالک ...» و در ادامه، ماده ۳۴ اضافه می‌کند: «نتایج حیوانات در ملکیت تابع مادر است و هرکس مالک مادر شد مالک نتایج آن هم خواهد شد.» در مالکیت اصلی، ریسمانی مال را مستقیم به مالک پیوند می‌دهد چون ریسمان به سببی قانونی بگسلد رابطه‌ی اعتباری محو و نابود می‌گردد. چنان که اگر مالک آن را بفروشد رشته‌ی اتصال پاره می‌شود.

در مالکیت تبعی، نخست مالکیت اصلی (رابطه‌ی اعتباری بین مالک و عین مال) به‌وجود می‌آید و چون این نوع مالکیت مسری است فوراً بدون نیاز به سببی دیگر به ثمره و منافع نیز سرایت می‌کند. در مالکیت تبعی، ریسمان ارتباط سه نقطه‌ی اتصال دارد که به‌واسطه‌ی آن مالک نخست به عین مال و سپس به منافع وصل می‌شود. اگر رشته‌ی اتصال عین مال با منفعت به سببی مثل عقد اجاره بگسلد؛ رشته‌ی ارتباط آن با مالک نخواهد گسست. ولی چنانچه ریسمان ارتباط مال و مالک پاره شود، ارتباط مالک با منفعت مال نیز قطع خواهد شد؛ اذا سقط الاصل سقط الفرع.

در صلح مالی به دیگری رابطه‌ی مالک با عین مال (مالکیت اصلی) از بین می‌رود و این قطع ارتباط براساس قاعده‌ی تبعیت به منافع هم سرایت می‌کند و دیگر رابطه‌ی بین او و منافع قابل تصور نیست تا بتوان منافع، را در مدت معین از مورد انتقال استثنا کرد و آن را همچنان در مالکیت مصالح نگاه‌داشت. سبب مالکیت مالک عین بر منافع مالکیت اوست

به عین مال و چون این ارتباط زایل شود ارتباط دومین (مالکیت تبعی) نیز تبعاً و خودبه‌خود زایل خواهد شد و شرط استثنای منافع از مورد انتقال، سببی نیست که بتواند مالکیت مصالح را بر منافع بدون مالکیت بر عین همچنان حفظ کند. بنابراین صحیح آن است که در این‌گونه موارد به شرط نتیجه منافع مادام‌العمر یا مدت معین را برای مصالح قرار داد. چون متصلح به محض این‌که قبول صلح مال می‌کند طبق قاعده تبعیت و به مالکیت تبعی، مالک منفعت هم می‌شود و اوست که باید اراده خود را بر تملیک مجدد منفعت ولو به‌صورت شرط نتیجه ابراز دارد تا مصالح بتواند با سببی مناسب مالک منافع مادام‌الحيات خود یا در مدت تعیین‌شده شود و از آن بهره‌مند گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی